بسم‌الله الرحمن الرحیم

[استدلال به آیه نفر 2](#_Toc433904079)

[مرور بحث گذشته 2](#_Toc433904080)

[احتمالات در مراد از تفقه 2](#_Toc433904081)

[نظریه مشهور 2](#_Toc433904082)

[احتمال تعمیم در معنای فقه 2](#_Toc433904083)

[معنی انذار 2](#_Toc433904084)

[استدراک از بحث 3](#_Toc433904085)

[تعمیم معنی در انذار 3](#_Toc433904086)

[علیت بحث 3](#_Toc433904087)

[تشریح مسأله 3](#_Toc433904088)

[نتیجه‌گیری 3](#_Toc433904089)

[فرض عدم استفاده مخاطب در قبال مدلول عقلی 4](#_Toc433904090)

[احتمال چهارم در بحث 4](#_Toc433904091)

[متعلق انذار 4](#_Toc433904092)

[شبهه‌ای در این مقام 4](#_Toc433904093)

[پاسخ از شبهه فوق 4](#_Toc433904094)

[نتیجه‌گیری 5](#_Toc433904095)

[استدراک از بحث 5](#_Toc433904096)

# استدلال به آیه نفر

# مرور بحث گذشته

بحث در ادله جواز تقلید بود، چراکه هر یک از فروع آینده تعیین تکلیف حدود آن‌ها متوقف بر این امور است. در ابتدا دلیل عقلایی، سیره عقلاء و متشرعه موردبررسی قرار گرفت تا اینکه به آیات رسیدیم و اولین آیه در این میان آیه نفر بود.

## احتمالات در مراد از تفقه

## نظریه مشهور

آخرین نکته این بود که در اینجا طبق نظر مشهور مقصود از تفقه همان اجتهاد است، نظری که پس از آن داده شد، این بود که مراد از آن فهم صحیح از احکام است، البته فهم مجتهدانه مراد نبود بلکه مراد فهمی بود که بتواند دیگران را انذار دهد.

## احتمال تعمیم در معنای فقه

سابقاً ما احتمال دوم را ترجیح دادیم. اما احتمال سومی وجود دارد که همه مدارج را دربر گیرد و همه را به‌تناسب وجوب کفایی واجب کند. بدین معنی که وجوب تفقه به‌عنوان وجوب کفایی محفوظ است اما در مواردی که انذار بر اجتهاد متوقف است، اجتهاد واجب است. اما در سایر موارد فهم عمومی از آن وجوب پیدا می‌کند.

این نکته مهمی بود که در جلسه قبل ذکر شد. بعضی از ادله‌ای که در حال بررسی است تنها جواز را افاده می‌کند و وجوب را به انضمام علم اجمالی استفاده می‌کنیم، اما این آیه وجوب را به نحو مستقیم ارائه می‌دهد.

## معنی انذار

از نکات دیگر این است که انذار در آیه شریفه است، در لغت در باب انذار واردشده است که به معنی خبر موجد اخواف و تخویف است. مانند اخبار به جنگ و امثال آن. در اینجا در قبال انذار در آیه شریفه گفته‌شده است که اعم از تخویف به نحو مطابقی است که غالب آیات قرآن در مقام بیان یک حکم الهی در اطراف آن در مقام بیان آثار آن است و اعم از حالت التزامی است.

## استدراک از بحث

اما در اینجا بعید نیست که انذار هر دو را دربر می‌گیرد، چراکه هر دو صورت در آیات شریفه وجود دارد و حالت بیان به نحو لزوم بین باز به انذار نامیده می‌شود.

## تعمیم معنی در انذار

بلکه به نحو مدلول عقلی را دربر می‌گیرد چراکه ممکن است حکم به نحو بین اعم یا اخص از آن تخویفی استفاده نمی‌شود ولی مجتهد از آن بهره می‌گیرد. لذا انذار در آیه شریفه اعم از سه حالت بیان‌شده است.

ثانیاً اگر کسی قائل شود که واژه انذار درجایی صادق است که تخویف به نحو مدلول مطابقی یا لفظی است که عقلی را شامل نمی‌شود، در این حالت وجه دوم برای شمول تنقیح مناط است.

## علیت بحث

 چراکه سیاق آیه اقتضاء می‌کند که نکته اصلی انتقال حکم الهی است. لذا لزومی ندارد مدلول به نحو مدلول مطابقی یا حتی التزامی باشد و به نظر می‌رسد همین مقدار کافی است. همچنان که کسی نیز ادعا نکرده است که لسان انذاری باید به نحو تصریحی باشد.

## تشریح مسأله

به‌عبارت‌دیگر در لغت واردشده است که انذار یعنی اخبار به همراه تخویف که ازلحاظ نوع آن سه احتمال وجود دارد؛ مصرح به به نحو مطابقی یا اعم از مطابقی و التزامی و یا اعم از دلالت عقلیه که ما در اینجا احتمال سوم را می‌پذیریم و وجهی برای حمل بر حالات اول و دوم وجود ندارد.

## نتیجه‌گیری

لذا با قرائنی که به دست داریم احتمال سوم تعین پیدا می‌کند.

## فرض عدم استفاده مخاطب در قبال مدلول عقلی

اما مورد درجایی است که مخاطب تبلیغ، اصل مدلول عقلی را نمی‌تواند استفاده کند، در این صورت باید طبق شرایطی که او متوجه هشدار می‌شود، پیش رفت. و به‌عبارتی‌دیگر باید ظرفیت وجود این هشدار در اینجا وجود داشته باشد و بتواند به هشدار توجه کند. این نکته دیگری در انذار است که حتماً باید موردتوجه قرار گیرد.

## احتمال چهارم در بحث

البته در اینجا احتمال چهارمی وجود دارد که موردقبول ما نیست که اخبار از امری باشد که درواقع می‌تواند هشداردهنده باشد. لذا این احتمال بعیدی است. چراکه احکام مشترک بین عالم و جاهل، مسلم و غیرمسلم است.

## متعلق انذار

بحث دیگری که مربوط به امر متعلق انذار بوده، این است که انذار اعم از بیان فتوا و یا اخبار از آن و یا آیه و روایتی است که از ضروریاتی بوده و نیازی به افتاء ندارد. لذا همه انحاء گفته‌شده از اخبار را دربرمی گیرد.

## شبهه‌ای در این مقام

ممکن است کسی بگوید در حالت افتاء چون فرد نظر کارشناسی خود را بیان می‌کند در فرض اخبار قرار نمی‌گیرد.

## پاسخ از شبهه فوق

اما می‌توان از آن پاسخ داد که این افتاء یا ذیل اخبار قرار می‌گیرد، چراکه فرد در این حالت از حکم خداوند اخبار می‌دهد. بلکه ممکن است کسی ادعا کند که چون در اینجا تفقه وجود دارد، این حالت تقویت می‌شود.

## نتیجه‌گیری

نتیجه این خواهد شد، درصورتی‌که این شمول موردقبول قرار گیرد؛ مجتهد باید اخبار کند و نظر کارشناسی خود را به دیگران منتقل کند، این تکلیف الزامی بر عهده اوست. همچنان که تکلیف دیگری وجود دارد که در موارد توقف انذار بر تفقه، افرادی باید اجتهاد را به دست آورند. این نیز شمولی است که در اخبار وجود دارد.

## استدراک از بحث

البته در اینجا شمول وسیع‌تری ادعاشده است که این اخبار (چون از آیه نفر در بحث خبر واحد نیز استدلال می‌شود) در بحث خبر واحد، شامل نقل اخبار برای مجتهد جهت کارشناسی نیز می‌شود که باید در جای خود این دیدگاه موردبررسی قرار گیرد.